

چارچوب اخلاقی رقابت در محیط‌های علمی - دانشگاهی

فاطمه وجدانی^۱

چکیده

هدف: در دهه‌های اخیر، رقابت در میان دانشگاهها، اعضای هیئت علمی و دانشجویان بیش از پیش بالا گرفته است. هدف این مقاله، تعیین هنجارهای اخلاقی برای این رقابتها بود تا پیامدهای احتمالی و زیانبار روحی، روانی، معنوی و اجتماعی رقابت ناسالم علمی را به حداقل برساند. **روش:** روش انجام پژوهش، توصیفی - تحلیلی بوده است. روایات موجود در کتب روایی معتبر همچون: اصول کافی، بحارالانوار، نهج الفصاحه، نهج البلاغه، غرر الحکم و درر الکلم و رساله حقوق امام سجاد(ع) بررسی و تحلیل و دلالتهای روایات مذکور برای دستیابی به هنجارهای اخلاقی رقابت علمی استخراج و صورت‌بندی شد. **یافته‌ها:** بر اساس یافته‌ها می‌توان شش اصل برای تعامل (رقابت) علمی صحیح در نظر گرفت: سخاوت علمی، اجتناب از تکبر و تفاخر، پرهیز از جدل به قصد برتری‌جویی، پرهیز از دروغ و فریبکاری، مشورت صادقانه و همدلانه، نیک‌اندیشی و کمک به رشد یکدیگر. **نتیجه‌گیری:** این پژوهش نشان داد که اولاً، در تعاملات علمی، همفکری و همکاری بر تکروری و رقابت تقدم تام دارد. ثانیاً، در صورت ناگزیر بودن از رقابت، می‌توان از الگوی «رقابت کریمانه» پیروی کرد که با رعایت باید و نبایدهایی امکانپذیر می‌شود.

واژگان کلیدی: رقابت، اخلاق، دانشگاه، روایات اهل بیت(ع).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دریافت مقاله: 94/12/01؛ تصویب نهایی: 95/07/02.

1. دکترای تخصصی فلسفه تعلیم و تربیت، استادیار دانشگاه شهید بهشتی /نشانی: تهران، ولنجک، میدان شهید شریاری، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده الهیات /نمابر 02122431784 /Email: f_vodgdani@yahoo.com

الف) مقدمه

امروزه دانشگاهها برای کسب جایگاه بهتر در نظامهای رتبه‌بندی، جذب دانشجوی بیشتر و مستعدتر و دریافت حمایت‌های مالی بیشتر با یکدیگر رقابت می‌کنند. این رقابت در کل بدنه دانشگاه جریان می‌یابد: اعضای هیئت علمی برای کسب موقعیت و جایگاه بهتر در دانشگاه یا جامعه، دریافت کمک مالی و اعتبار پژوهشی و نظایر آن با یکدیگر رقابت می‌کنند. دانشجویان نیز سعی می‌کنند به رتبه بالاتر، جوایز مادی یا لوح تقدیر و فرصت‌های بهتر تحصیلی و شغلی در آینده، دست یابند.

معنای لغوی «رقابت» در زبان عربی، با مفهوم پاییدن مرتبط است. رقیب کسی است که او را باید پایید و او کسی است که ما را می‌پاید. در تعریف رایج، رقیب کسی است که منابع مشترک با ما دارد (فرامرزی، 1388: 299). رقابت ممکن است به نوعی پیامدهایی مفید در پی داشته باشد: هیجان بیشتری ایجاد کند، افراد را برای تلاش حداکثری برانگیزد، زمینه مناسبی فراهم کند تا افراد استعداد‌های خود را بهتر بشناسند، جایگاه خود را نسبت به یکدیگر بسنجند، بازخورد بهتری از فعالیتهای خود به دست آورند و خلاصه، اهداف و برنامه‌های خود را به شکل هدفمندتری سازماندهی کنند. رقابت دانشگاهها نیز می‌تواند تلاشهای جدی‌تری برای بهبود کیفیت فعالیتهای پژوهشی و آموزشی به دنبال داشته باشد. در همین راستا، بسیاری از قوانین نیز به رقابتها دامن می‌زنند و توسط متخصصان سازماندهی می‌شوند.

اما از زاویه‌ای دیگر، این امکان نیز وجود دارد که در فضای رقابت، تلاش افراد در جهات و زمینه‌های خاصی - که صرفاً برای پیشی گرفتن بر دیگران مناسب‌تر است - تنظیم شود و هدف مطالعه، پژوهش و یادگیری، صرفاً بر دستیابی به درجه و رتبه بالاتر متمرکز شود و البته عده زیاد دیگری نیز در معرض ناامیدی، خشم یا کاهش اعتماد به نفس قرار گیرند. علاوه بر این، رقابت از نگاه اخلاقی، بسیاری از ارزشهای اجتماعی و اخلاقی مانند همدلی، همیاری، سخاوت و فداکاری را تا حد زیادی تحت الشعاع قرار می‌دهد و زمینه را برای برخی از ردایب اخلاقی همچون: حسادت، بخل و تنگ‌نظری، خودخواهی، خودبرتربینی و فریبکاری فراهم می‌آورد و این خطر وجود دارد که به تدریج به رقابتی ناسالم و مخرب تبدیل شود. بنابر این، رقابت هر چند می‌تواند ابزاری نسبتاً قوی برای تحریک انگیزش فعالیت و پیشرفت علمی باشد، اما تنها ابزار، یا لزوماً بهترین ابزار نیست.

به هر حال، در دهه‌های اخیر رقابت در میان دانشگاهها، اعضای هیئت علمی و دانشجویان بیش از پیش بالا گرفته است و بیم آن می‌رود به سمت و سویی پیش رود که به عنوان هدف اصلی فعالیتها قلمداد شود. در این میان، نکته مهم آن است که رقابت در دانشگاهها، اساساً داستان متفاوتی با رقابت در دنیای ورزش، صنعت و تجارت دارد. دانشگاه علاوه بر تولید علم و فناوری و تربیت متخصص، نهاد تربیتی است؛ حتی به فرموده امام خمینی (ره)، کارکرد و وظیفه اصلی دانشگاه، «انسان‌سازی» (امام خمینی، 1359/09/27) و پرورش

545 ♦ چارچوب اخلاقی رقابت در محیط‌های علمی - دانشگاهی

اخلاقی افراد (امام خمینی، 1361/06/28) است. این بدان معناست که ارتقای اخلاقی و شخصیتی افراد نباید تحت تأثیر سایر اهداف و برنامه‌های دانشگاه، به حاشیه رانده شده یا تهدید شود.

به نظر می‌رسد رقابت نیز مانند هر کار دیگری، نیازمند چارچوب، مجموعه هنجارها و قواعد اخلاقی است که غفلت یا بی‌توجهی به آنها می‌تواند پیامدهای زیانبار روحی، روانی، معنوی و حتی اجتماعی به دنبال داشته باشد. دستیابی به چنین چارچوبی، دغدغه اصلی نویسنده برای انجام این پژوهش بوده است: در محیط‌های علمی و دانشگاهی چگونه باید تعامل کرد تا به رشد و تکامل وجوه انسانی، اخلاقی و معنوی افراد لطمه‌ای وارد نشود؟

سؤال پژوهش

در این تحقیق به این سؤال پاسخ داده شده است: با توجه به آموزه‌های روایات اهل بیت (ع)، چه هنجارها و چارچوبی را برای رقابت علمی در محیط‌های دانشگاهی می‌توان مطرح کرد؟

ب) پیشینه پژوهشی

در ارتباط با سؤال پژوهش و برای بررسی و تعیین قواعد اخلاقی رقابت، به ویژه با دیدگاه اسلامی، پیش‌تر تحقیقاتی توسط برخی پژوهشگران به انجام رسیده که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از:

کرامتی (1380) در مقاله «رقابت یا رفاقت در کلاس»، با بررسی جوانب گوناگون رقابت و آثار منفی آن (ایجاد حسادت، احساس حقارت، تضعیف عزت نفس و شوق یادگیری)، بر ضرورت ایجاد رفاقت در میان دانش‌آموزان تأکید کرد. تمرکز این مقاله بر تشریح مزایای کار گروهی و یادگیری مشارکتی است.

ون‌لانگه و دودرو (1381) در پژوهشی با عنوان «تعامل اجتماعی: همکاری و رقابت»، تضادها و تعارضهایی را که بین اهداف شخصی و اهداف جمعی به وجود می‌آید، تشریح کرده و توضیح داده‌اند که در چنین موقعیتهایی، باورهای احترام به رفتار دیگران، هنجارهای اجتماعی و شاخصهای روابط خاص می‌تواند به حرکت به فراسوی منافع شخصی کمک کند. ایشان برای حل چنین تعارضاتی، مداخله گروه سوم و راه‌های ساختاری را پیشنهاد و تشریح می‌کنند.

نوروزی شمس (1384) در مقاله «نگاهی به حقوق رقابت در قوانین چند کشور»، حقوق رقابت یا ضد انحصار را در فعالیتهای اقتصادی و تجاری (به عنوان یک رشته جدید حقوقی) در آمریکا و اتحادیه اروپا بررسی کرده است و لذا بحث، مربوط به جنبه‌های حقوقی رقابت‌های اقتصادی است.

میرمعزی (1387) در مقاله «رقابت و تعاون در نگرش اسلامی» رقابت در فعالیتهای اقتصادی را بررسی می‌کند. ایشان رقابت از دیدگاه سرمایه‌داری را نقد کرده، نشان می‌دهد که این مفهوم از رقابت با آموزه‌های اسلامی سازگار نیست. سپس با استفاده از آیات و روایات نشان می‌دهد که در اسلام، رقابت و تعاون، تنها در خیرات تشویق شده است. لذا، در نظام اقتصادی نیز خیرات یا در امور خیرخواهانه همچون: وقف و قرض‌الحسنه بروز می‌یابد یا در بخش خصوصی (با انگیزه نفع شخصی) باید در چارچوب احکام و قواعد اخلاقی (مانند انصاف، مدارا و احسان) و حقوقی (مانند عدالت، قاعده نفي ضرر و ضمان اتلاف و حرمت ربا) انجام گیرد. همچنین، در بخش مصرف، پرهیز از اسراف و تجمل‌گرایی توصیه شده است.

فرامرزی قراملکی (1388) در کتاب «اخلاق سازمانی»، ضمن بحث تفصیلی راجع به رقابت اخلاقی در کسب و کار و صنعت و تجارت، برخی از اصول رقابت اخلاقی در چنین محیط‌هایی را چنین برمی‌شمارد: اصل سود هر دو طرف، احترام اصیل به رقیب، پرهیز از ضرررسانی، تلاش در رقابتی کردن محیط، سوق دادن رقابت به رفاقت، پرهیز از روابط کاری غیر اخلاقی با کارکنان بنگاه رقیب، رعایت حقوق رقیب در بازاریابی، دوری از دخالت در داد و ستد رقیب، حفظ حریم رقیب و صیانت از اسرار آنها، حمایت معنوی از رقیب، مواجهه صادقانه و صریح با رقیب، پرهیز از اقدامهای تلافی‌جویانه غیر اخلاقی و ترویج اخلاق حرفه‌ای نزد رقیب.

فرهادی (1388) در کتاب «نسان‌شناسی یاریگری»، مسئله همکاری را در دنیای رقابتی مدرن، البته با نگاه جامعه‌شناختی، مورد توجه قرار می‌دهد. نظریه‌های همکاری را از دید دانشمندان علوم اجتماعی غربی و برخی از اندیشمندان مسلمان همچون فارابی و ابن خلدون، و نیز فرهنگ مشارکت در میان ایرانیان، گونه‌شناسی تعاونی‌های سنتی ایران و نظریه ناهمکاری ایرانیان به ویژه کشاورزان ایرانی را بررسی کرده است. لذا پژوهش مذکور رویکردی جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی داشته و رقابت علمی نیز مسئله پژوهش نبوده است.

اسلامی (1389) در بحث اخلاق مناظره، 10 اصل را مطرح کرده است: هدف حق‌جویی از مناظره داشتن، آزادی تغییر موضع دادن به رقیب، پرهیز از اهانت به رقیب، تحمل اهانت حریف، در پی زمینه مشترک بودن، تعلیق عقاید خود، مسخ نکردن عقاید حریف، پرهیز از دام مجادله، استفاده از معیارهای یگانه، برای حریف همان را خواستن که برای خود می‌خواهیم.

صادقی مقدم و غفاری فارسانی (1390) در پژوهشی با عنوان «روح حقوق رقابت (مطالعه‌ای تطبیقی در اهداف حقوق رقابت)» به بررسی جنبه‌های حقوقی (لوايح و قوانین) رقابت اقتصادی و تجاری پرداخته‌اند و هنجارهای اخلاقی مد نظر ایشان نبوده است.

صفوی و بهشتی (1394) در پژوهشی با عنوان «الگوی مطلوب رشد فرهیختگی و تعالی اخلاقی دانشجویان بر مبنای سخنان امام علی (ع)»، برای تعالی اخلاقی دانشجویان به کسب ویژگی‌هایی همچون: حقیقت‌محوری، راهنماپذیری، ظلم‌ستیزی، اجتماع‌گرایی و نظم‌مداری تأکید می‌کنند.

547 ◊ چارچوب اخلاقی رقابت در محیط‌های علمی - دانشگاهی

در برخی دیگر از پژوهش‌ها، اصول و سیاست‌های پرورش اخلاقی در دانشگاه‌ها به طور کلی بررسی شده است. به عنوان نمونه، در پژوهشی با عنوان «بررسی تحلیلی اسناد بالادستی نظام آموزش عالی به منظور استنتاج سیاست‌های توسعه اخلاقی در دانشگاه‌ها» (وجدانی، 1394)، تقویت روحیه کمال‌جویی، ایثارگری، مشارکت‌جویی و مسئولیت‌پذیری برای دانشجویان و نیز تهذیب اخلاقی اعضای هیئت علمی به طور کلی پیشنهاد شده است. همچنین، برای اصلاح فضا و محیط دانشگاه، مواردی همچون: رعایت حدود و ضوابط شرعی در دانشگاه، ترویج فرهنگ عفاف، ترغیب دانشجویان به ازدواج، طراحی و معماری مناسب فضاهای دانشگاهی، اسلامی شدن روشها، روابط و سیستم دانشگاه و مواردی از این قبیل مطرح شده است. لذا رقابت‌های علمی و استلزامات اخلاقی آن، مسئله پژوهش نبوده است.

در پژوهش‌های بسیار دیگری نیز اخلاق پژوهش در دانشگاه‌ها به طور کلی، بررسی شده و عمدتاً بر لزوم حقیقت‌جویی، رعایت مالکیت مادی و معنوی، رعایت انصاف، امانت و احترام (اسعبل و پرهوده، 1394) و نیز اجتناب از سرقت علمی (هاشمی و همکاران، 1394) تأکید شده و مسائلی از قبیل اصول اخلاقی رقابت یا همکاری‌های علمی، مسئله این پژوهش نبوده است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، پژوهش‌هایی که به بررسی نقادانه مسئله رقابت پرداخته‌اند، عمدتاً آن را از جنبه حقوقی (و نه اخلاقی) و با رویکرد جامعه‌شناختی بررسی کرده‌اند یا به مسئله رقابت تجاری اقتصادی پرداخته‌اند. همچنین، در تحقیقات مربوط به اخلاق دانشجویی یا اخلاق پژوهش نیز جستجوی هنجارهای اخلاقی در رقابت‌های علمی مسئله اصلی این پژوهش نبوده است. ضمن اینکه کمتر شاهد انجام پژوهش‌هایی در زمینه اخلاق رقابت با مراجعه و استفاده مستقیم از متون و روایات معصومین (ع) هستیم. لذا برای یافتن پاسخ سؤال این پژوهش نیاز به انجام تحقیقی مستقل ضروری به نظر می‌رسد.

ج) روش تحقیق

این تحقیق، یک پژوهش کیفی و از نوع کاربردی¹ است. تحقیقات کاربردی در جستجوی هدف عملی‌اند (دلور، 1384: 49) و به بهبود روش‌های اجرایی کمک می‌کنند (شریفی و شریفی، 1383: 87). این پژوهش نیز با هدف کمک به بهبود تعاملات بین فردی و رقابت سالم در میان اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و نیز دانشجویان انجام گرفته است.

روش انجام پژوهش، توصیفی - تحلیلی¹ است. در روش تحلیلی، اطلاعاتی که از طریق بررسی اسناد، مدارک و کتب به دست می‌آید، به گونه‌ای سامان داده می‌شود که بتوان به پرسشهای پژوهش پاسخ داد (سرمد و همکاران، 1376). در این تحقیق برای پاسخگویی به سؤالات پژوهشی، روایات موجود در کتب روایی اصول کافی، بحارالانوار، نهج‌الفصاحه، نهج‌البلاغه، غرر الحکم و درر الکلم، رساله حقوق امام سجاد(ع)، المواعظ العديدة، الاختصاص و الارشاد با کلیدواژه «علم» جستجو و روایاتی که به نوعی دلالتی برای تعامل علمی میان افراد داشتند، بررسی و تحلیل شدند. سپس دلالت‌های روایات مذکور برای دستیابی به هنجارهای رقابت علمی استخراج و صورت‌بندی شد.

در ادامه، یافته‌های پژوهش در دو بخش اصول کلی تکاپوی علمی و هنجارهای اخلاقی رقابت علمی بیان می‌شود. «اصول» در علوم کاربردی، قواعد عامه و دستورالعمل‌های کلی‌اند که باید به عنوان راهنمای عمل استفاده شوند (باقری نوع‌پرست، 1384: 64). اصول کلی تکاپوی علمی نیز دستورالعمل‌های کلی برگرفته از روایات اهل بیت(ع) می‌باشند که بر هر فرد مسلمان لازم است تا در هنگام کسب علم از آنها پیروی کند. این اصول، الزاماً صبغه اخلاقی ندارند و ناظر بر ارتباط تعاملی نیز نیستند. اما بخش بعدی؛ یعنی اصول اخلاقی تعامل علمی، هنجارهای اخلاقی ناظر بر تعامل علمی میان افرادند و ماهیت اخلاقی دارند.

د) اصول کلی تکاپوی علمی

بررسی دیدگاه اهل بیت(ع) در مورد اصول تکاپوی علمی به طور کلی (از بعد فردی) زمینه بحث تخصصی‌تر در باب هنجارهای اخلاقی تعامل علمی را فراهم می‌کند. با تأمل در روایات، چهار اصل ذیل برای تلاش و تکاپوی علمی قابل استنباط است:

1. اصل شتاب، اشتیاق و تلاش برای کسب علم

در دین اسلام، علم از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و به عنوان ریشه و پایه هر خیر و نیکی² بر هر مسلمانی ضروری دانسته شده است.³ به همین نسبت، جوینده دانش نیز رکن اسلام است⁴ پاداش او با

1. Descriptive-Analytical Method

2. «العلم اصل کل خیر»، (کمپانی، 1362: کلمه 177)

3. «طلب العلم فریضه علی کل مسلم»، (کلینی، بی تا، ج 1: 35)

549 ◊ چارچوب اخلاقی رقابت در محیط‌های علمی - دانشگاهی

پیامبران داده می‌شود¹ و هر گاه در حال آموختن علم مرگش فرا رسد، شهید مرده است.² خلاصه آنکه در دیدگاه اسلامی هر که به دانش از دیگران پیش تر است، قیمتش از دیگران بیشتر است.³

جویندگی دانش و میل به حقیقت‌طلبی به عنوان یک ویژگی فطری و بالقوه، در سرشت انسانی نهاده شده (مطهری، 1387: 74) و به فرموده پیامبر (ص)، دو گرسنه‌اند که سیری ناپذیرند: طالب دنیا و طالب علم.⁴ در روایت دیگری نیز آمده است: هر دانشمندی گرسنه علم دیگر است.⁵ شکوفا کردن میل به حقیقت‌طلبی و مجاهده در این مسیر بی‌پایان، در اسلام تشویق شده و اشتیاق به کسب علم و دانش، در روایات از نشانه‌های پرهیزکاران است که البته همراه با شرایط اخلاقی خاص است: از نشانه‌های پرهیزکاران این است که می‌بینی در دین، نیرومند ...، در کسب دانش، حریص و دارای علم همراه با بردباری‌اند.⁶ طبیعتاً در چنین فضایی، تحقیق و پژوهش نیز در اسلام مورد توجه ویژه‌ای است؛ به طوری که حضرت علی (ع) می‌فرماید: هیچ عملی به پای پژوهش و تحقیق نمی‌رسد.⁷ اگرچه تحقیق، به معنای مطلق حقیقت‌جویی است، اما از آن رو که پژوهش علمی نیز نوعی کشف حقیقت است، می‌توان تحقیق به معنای عام کلمه را مشتمل بر پژوهش‌های علمی نیز دانست.

2. اصل خلوص نیت

انسانها ممکن است با نیت‌های نامناسبی همچون: تفاخر و بزرگ‌نمایی، جدل و مراء،⁸ فخر فروشی به علماء، ستیزه کردن با جاهلان و سفهاء،⁹ تکبر، مناظره با دیگران، کسب مال و ثروت،¹⁰ جلب توجه مردم و ریاست کردن بر آنها، خودنمایی در مجالس،¹¹ موقعیت یافتن نزد سلاطین و منزلت یافتن نزد مردم به کسب دانش بپردازند که البته با وجود چنین نیت غیر الهی، نه تنها از علم خود سودی نمی‌برند؛ بلکه به واسطه آن، روز

1. «طالب العلم طالب الرحمه، طالب العلم ركن الاسلام و يعطى اجره مع النبیین». (نهج الفصاحه، کلمه 1899)

2. «ذا جاء الموت بطالب العلم مات و هو شهيد». (نهج الفصاحه، کلمه 194)

3. «أكثر الناس قيمة أكثرهم علما». (نهج الفصاحه، کلمه 442)

4. «منهومان لا يشبعان: طالب دنیا و طالب علم». (کلیتی، بی تا، ج 1: 57)

5. «كل صاحب علم غرثان إلى علم». (نهج الفصاحه، کلمه 2147)

6. «من علامه احدهم (المتقین) انك ترى له قوه في دين ... و حرصا في علم و علما في حلم». (نهج البلاغه، خطبه 193)

7. «لا عمل كالتحقيق». (تمیمی آمدی، 1366: کلمه 2940)

8. ابي عبدالله (ع): «طلبه العلم ثلاثه فاعرفهم باعيانهم و صفاتهم: صنف يطلبه للجدل و المراء و صنف يطلبه للاستطاله و الختل و صنف يطلبه للفقه و العقل...». (کلیتی، بی تا، ج 1: 61)

9. امام باقر (ع): «من طلب العلم لیباهی به العلماء او یعماری به السفهاء او یصرف به الوجوه الناس الیه فلیتوبه مقعده من النار». (کلیتی، بی تا، ج 1: 59)

10. رسول الله (ص): «من تعلم العلم للتکبر مات جاهلا و من تعلم للقول دون العمل مات منافقا و من تعلمه للمناظره مات فاسقا و من تعلمه لکثره المال مات زنديقا و من تعلمه للعمل مات عارفا». (مشکینی، 1389: 262)

11. امام علی (ع): «خذوا من العلم ما بنا لكم و ایاکم ان تطلبوه لخصال اربع: لتباهوا به العلماء او تماروا به السفهاء او تراووا به فی المجالس او تصرفوا وجوه الناس الیکم للتروس». (الارشاد، ج 1: 230)

به روز از ارزشهای الهی دورتر می‌شوند.¹ لذا در روایات تأکید شده است که کسب علم صرفاً با نیت الهی صورت گیرد.

اهمیت نیت صحیح از این جهت است که نیت، رابطهٔ تکوینی با عمل دارد و به آن حیات می‌بخشد و در حقیقت؛ عمل بدون نیت، یک کالبد مرده است که ارتباطی با دل و روح فاعل پیدا نمی‌کند و نتیجه‌ای نمی‌بخشد. لذا اگر در عملی نیت نباشد یا نیت صحیحی نباشد، آن عمل موجب کمال برای نفس نخواهد بود (مصباح بزدی، 1388: 58). در روایات نیز آمده است که ارزش رفتار انسان بستگی به انگیزه و نیت او دارد و بلکه انگیزهٔ انسان مؤمن از رفتار او نیز با ارزش تر است.²

آن گونه که از روایات برمی‌آید، نیت الهی در کسب علم موجب می‌شود تواضع انسان در برابر دیگران بیشتر شود، حدود الهی را بیشتر مراعات کند، در امر دین کوشا تر شود و به همین دلیل از علم خویش بهره‌مند شود.³ از سوی دیگر، اخلاص به نوبهٔ خود منشأ جوشش چشم‌حکمت و معرفت می‌شود؛ اگر کسی چهل روز مخلصاً با خدای خود رفتار کند، چشمه‌های حکمت از قلب او بر زبان (یا قلم) او جاری می‌شود؛ زیرا وقتی انسان از پراکندگی و شواغل گوناگونی که او را به خود مشغول می‌سازند، رهایی یابد، قدرت فکر کردن پیدا می‌کند و ذات اقدس خداوند نیز وقتی صحنهٔ قلب او را مستعدتر یافت، به آن فیض می‌رساند (جوادی آملی، 1394: 167). لذا به دلیل اهمیت فوق‌العادهٔ نیت الهی در کسب علم، چنین تلاشی به اندازهٔ جهاد در راه خداوند ارزش دارد.⁴

3. اصل علم برای عمل

در دیدگاه اسلامی، عمل همپای علم ارزشمند است و بلکه اهمیت علم هم عمدتاً به سبب این است که مقدمهٔ ایمان و عمل صالح واقع می‌شود (ر.ک: وجدانی، 1392). داشتن انگیزهٔ الهی و کسب علم به قصد عمل، در روایتی از امام صادق (ع) با هم جمع شده‌اند: هر که برای خدا علم را بیاموزد و بدان عمل کند و به دیگران بیاموزد، در ملکوت آسمانها به بزرگی یاد می‌شود و می‌گویند: برای خدا آموخت، برای خدا عمل کرد و برای خدا تعلیم داد. (کلینی، بی تا، ج 1: 43)

1. پیامبر (ص): کسی که دانش را برای دنیا و منزلت یافتن نزد مردم و موقعیت یافتن نزد سلطان و حاکم فرا گیرد، به هیچ بابی از آن نرسد مگر اینکه خود بزرگترین تر شود و بر مردم بیشتر بزرگی فروشد و از خدا بیشتر غافل شود و از دین بیشتر فاصله گیرد. چنین کسی از دانش سود نمی‌برد؛ بنابراین، باید (از تحصیل دانش) خودداری ورزد و علیه خود حجت و پشیمانی و رسوایی در روز قیامت فراهم نیاورد (محمدی ری شهری، 1378: حدیث 13849)

2. رسول الله (ص): «توبه المؤمن خیر من عمله و توبه الکافر شر من عمله و کل عامل يعمل علی نیت» (کلینی، بی تا، ج 2: 84)

3. پیامبر (ص): هر که دانش را برای خدا بیاموزد، به هیچ بابی از آن نرسد مگر اینکه در نفس خود نرمی بیشتر احساس کند، با مردم اقداه‌تر شود، ترسش از خدا بیشتر و در دین کوشا تر شود. چنین کسی از علم بهره‌مند می‌شود. پس باید آن را بیاموزد. (محمدی ری شهری، 1378: حدیث 13849)

4. پیامبر (ص): «طلب العلم لله أفضل عند الله من المجاهد فی سبیل الله» (نهج الفصاحه: کلمه 1898)

551 ◊ چارچوب اخلاقی رقابت در محیط‌های علمی - دانشگاهی

علمی که بدان عمل نشود، سودی برای انسان ندارد¹ و حتی به مرور از دست می‌رود،² جز کفر و ناسپاسی داننده و دوری او از خدا نمی‌افزاید³ و در روز قیامت نیز برای او وزر و وبال است.⁴ دانشی که با عمل صالح هماهنگ نباشد و سبب تقرّب به خداوند نشود، جهل است و سبب حجاب از عقل برین و قلب طاهر می‌شود. لذا علم غیر نافع (علم بدون عمل)، بزرگ‌ترین و بدترین حجاب است و هر چه دانش بیشتر باشد، پرده حجاب غلیظ‌تر خواهد بود. علم بدون عمل، باعث کبر و غرور شده و به جای اطاعت، زمینه‌ساز عصیان و سرکشی و به جای راهبری، راهزن می‌شود. پس گرچه انسان بتواند کتاب بنویسد، تدریس کند یا مبتکر باشد، اگر چنین وصفی به انسان نور ندهد، علم نیست. (جوادی آملی، 1394: 159-158)

4. اصل اجتناب از عُجب و غرور و سرمستی

در روایت آمده است: سزاوار است که عاقل از مستی دانش بپرهیزد؛ چرا که عقل را نابود و وقار و هیبت را کم می‌کند.⁵

عُجب، بزرگ شمردن خویش به دلیل کمالی است که انسان در خود می‌بیند؛ خواه آن کمال را داشته باشد یا خیر؛ و خود چنان داند که دارد. و خواه آن صفتی را که دارد و به آن می‌بالد، در واقع کمال باشد یا خیر. در تعبیری دیگر؛ عُجب آن است که انسان صفتی یا نعمتی را که دارد، بزرگ بشمارد و منعم آن را فراموش کند. حتی ممکن است انسان به جایی برسد که به جهت صفتی که خود را به آن بزرگ می‌شمارد و خدا به او کرامت فرموده، خود را دارای حقی بر خداوند بداند. عُجب به نوبه خود منجر به تکبر بر دیگران، بی‌توجهی و فراموشی معایب خود و غرور در برابر خداوند می‌شود (ترافی، 1390: 264-261). فرد عالم و دانشمند نیز می‌تواند گرفتار عُجب و خودپسندی شود.

ثمره این نوع خودبینی، استبداد در رای، احساس بی‌نیازی از مشورت، جاهل پنداشتن دیگران و کراهت داشتن نسبت به گوش فرا دادن به سخن اندیشمندان است (دبلی و آذربایجانی، 1387: 103-102). چنین فردی از سؤال کردن باز می‌ماند و اگر تدبیر خطایی کرده باشد، به آن اصرار می‌کند و پند کسی را نمی‌شنود و لذا ضرر کلی به او می‌رسد و حتی در بین دیگران رسوا می‌شود (ترافی، 1390: 264). همچنین، ممکن است تصور کند که دانش و آگاهی است که موجب رستگاری است و در نتیجه درصد عمل کردن به علم خویش برنیاورد (دبلی و آذربایجانی، 1387: 105) و خلاصه، از رشد و تکامل حقیقی باز بماند.

1. پیامبر (ص): «تعلّموا ما شتم أن تعلّموا فإن ینفعکم الله بالعلم حتی تعلّموا بما تعلّمون». (نهج‌الفصاحه: کلمه 1161)
2. امام صادق (ع): «العلم مقرون الی العمل فمن علم عمل ... و العلم ینتفع بالعمل فان اجابه و الا ارتحل عنه». (کلینی، بی تا، ج 1: 55)
3. امام سجّاد (ع): «فان العلم اذا لم یعمل به لم یزد صاحبه الا کفرا و لم یزد من الله الا بعدا». (کلینی، بی تا، ج 1: 56)
4. پیامبر (ص): «کلّ علم وبال یوم القیامه الا من عمل به». (نهج‌الفصاحه، کلمه 2168)؛ امام علی (ع): «العلم بلا عمل وبال» (نیمی آمدی، 1366: کلمه 166)
5. «بینی للعقل ان یخترس من سکر المال و سکر القدره و سکر العلم... فان لكل ذلك ریاحا خبیثه تسلب العقل و تستخف الوقار». (نیمی آمدی، 1366: کلمه 875)

5. اصل همیاری در کسب علم

طبق روایات، فرایند کسب علم و تعمیق آن، ماهیت جمعی پیدا می‌کند. توصیه اهل بیت (ع) همفکری و مذاکره علمی است¹ و پیامبر اکرم (ص) نیز توصیه می‌فرماید: در کار دانش، یار همدیگر باشید.² گفتگوی علمی میان اندیشمندان و دانشمندان، دل‌های مرده را حیات می‌بخشد³ و علم را نیز زنده می‌کند.⁴

مباحثه یا گفتگو و همفکری علما درباره یک موضوع، طرح اشکالها، بیان ابهامات و پاسخ دادن به آنها منجر به فهم بهتر مطلب می‌شود. از یک سو، افراد از فکر یکدیگر بهره می‌گیرند و از سوی دیگر، فکر و اندیشه هر یک از آنها به هنگام بحث فعال‌تر می‌شود و عمیق‌تر می‌اندیشند. در روایتی از امام علی (ع) نقل شده است که آرا و افکار خود را بر هم بزنید (یا روی هم بریزید) تا از مجموعه آنها سخن حق و درست زاییده شود (مصباح یزدی، 1389، ج 3: 365). لذا در مجموع، همفکری منجر به رفع ابهام از حق می‌شود و امری مطلوب و مفید است.

ه) اصول اخلاقی «تعامل» علمی (با تأکید بر رقابت)

از روایات چنین برمی‌آید که ما از علم جویی از روی چشم و هم‌چشمی با یکدیگر به شدت نهی شده‌ایم.⁵ اصل اخیر از اصول تکاپوی علمی نیز ما را به سوی روحیه تعامل و همیاری علمی رهنمون می‌سازد. اکنون باید دید روایات اهل بیت (ع) چه آموزه‌هایی در ارتباط با هنجارها و اصول اخلاقی «تعامل» علمی دانشمندان و اندیشمندان دارند.

1. اصل سخاوت علمی (اجتناب از کتمان علم)

پیامبر اکرم (ص) توصیه فرموده‌اند که: در کار دانش، یار همدیگر باشید و دانش خود را از یکدیگر پوشیده مدارید که خیانت در علم بدتر از خیانت در مال است.⁶

بخل عبارت است از: امساک در مقامی که باید بذل کرد و ندادن آنچه باید داد (براقی، 1390: 394). سخاوت نقطه مقابل بخل و معروف‌ترین صفات اخلاقی پیامبران و اولیای الهی است (همان: 396). سخاوت علمی از مصادیق مهم سخاوت است. خدا به عالمی علم نداد، مگر آنکه از او پیمان گرفته که علم خویش

1. امام باقر (ع): «تذاکر العلم ساعة خير من قيام ليله». (مفید، 1414/الف: 245)

2. «تناصحا في العلم ولا يكتنم بعضهم بعضا فإن الخيانة في العلم أشد من الخيانة في المال». (نهج الفصاحة: کلمه 1178)

3. رسول الله (ص): «ان الله عز وجل يقول: تذاکر العلم بین عبادي مما تحیی علیه القلوب المیتة اذا هم انتهوا فی الی امری». (کلینی، بی تا، ج 1: 50)

4. امام باقر (ع): «رحم الله عبدا حی الی العلم... و ما حیاه؟... ان یذاکر به اهل الدین و اهل الورع». (کلینی، بی تا، ج 1: 50)

5. «من طلب العلم لیجاری به العلماء أو لیمازی به السقهاء أو یصرف به وجوه الناس إلیه أدخله الله النار». (نهج الفصاحة: کلمه 2924)

6. «تناصحا في العلم ولا يكتنم بعضهم بعضا فإن الخيانة في العلم أشد من الخيانة في المال». (نهج الفصاحة: کلمه 1178)

553 ◊ چارچوب اخلاقی رقابت در محیط‌های علمی - دانشگاهی

را نهان ندارد.¹ سخاوت علمی، برآوردن نیازهای علمی دیگران است و لذا به نوعی، احسان به مردم محسوب می‌شود و این احسان همچون سایر مصادیق احسان می‌تواند همراهی خداوند و جلب نعمت و دفع بلا، محبوبیت، احترام و عظمت نزد مردم (داوودی، 1393: 107-108) و سرفرازی در آخرت را در پی داشته باشد (نراقی، 1390: 397-396). در مقابل، اگر عالم، دانشی را که در حقیقت خداوند به او داده است، از دیگران مخفی نگاه دارد، علاوه بر پیامدهای دنیوی، در آخرت نیز دچار عذاب خواهد شد.²

2. اصل اجتناب از تکبر و تفاخر

در روایات توصیه شده که دانش بیاموزید و در عین حال، از علمای متکبر نباشید.³ فرد متکبر علاوه بر رضایتمندی و خشنودی از خویش، خود را با دیگران مقایسه کرده، از آنان برتر می‌داند و نوعی حق و مزیت برای خود در قبال دیگران قائل است (نراقی، بی‌تا، ج 1: 322-321). کمترین درجه کبر آن است که انسان خود را در دل بالاتر بداند، اما در رفتار و گفتار مطلقاً اظهار نکند و بلکه سعی در تواضع و فروتنی نماید. گاه نیز انسان در دل کبر دارد و رفتار متکبران نیز از او صادر می‌شود، اما به زبان نمی‌آورد. بدترین درجه کبر نیز آن است که کبر در دل انسان ریشه دوانده و در رفتار و گفتار او نیز ظاهر باشد (جمع اعضا و جوارح او را فرا بگیرد). این صفت رذیله، او را از تواضع، حلم، قبول نصیحت، ترک حسد و امثال آن بازمی‌دارد و انسان هر کاری انجام می‌دهد، تا عزت و بزرگی خود را حفظ کند.

حتی عالم بودن و عامل بودن به دستورات دینی هم می‌تواند منشأ تکبر واقع شود (داوودی، 1393: 192). افراد متکبر به دلیل خودبزرگی‌بینی، از درک و فهم بسیاری از حقایق عاجزند و بدون حجت، مجادله می‌کنند (غافر: 35؛ اعراف: 146)؛ دعوت به حق را نمی‌پذیرند (بقره: 87). بدین سان متکبر، توانایی شناخت حق از باطل را از دست می‌دهد و دچار شقاوت و عذاب می‌شود.

از علائم عجب در علما و دانشمندان می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: خود را بر اقران خویش مقدم داشتن، انتظار سلام کردن و احترام از دیگران داشتن، در مجلس بالاتر نشستن، اظهار مفاخرت و مباهات کردن، در مسائل علمی درصدد غلبه بر ایشان برآمدن و بی‌تفاوتی به موعظه دیگران. همچنین، چون با اقران و امثال خود در مسئله‌ای گفتگو می‌کند و متوجه می‌شود که حق با دیگری است، اعتراف و تشکر کردن برای او سخت است و نمی‌تواند اظهار بشاشت و خرمی کند (نراقی، 1390: ص 290-287). با توجه به مسائل گفته

1. «ها اتی الله عالما علما الا اخذ علیه الميثاق ان لا يكتمه»، (نهج الفصاحه: کلمه 2603)

2. پیامبر (ص): «ایما رجل اتاه الله علما فکمه و هو یعلمه لقی الله عز و جل یوم القیامه ملجما بلجام من نار» (مجلسی، 1403، ج 2: 68)

3. امام صادق (ع): «اطلبوا العلم ... و لا تكونوا علماء جبارین فیذهب باطلکم بحکمکم» (کلینی، بی‌تا، ج 1: 44)

شده، کسی که دانش را برای فخر فروشی به سایر دانشمندان و کسب بزرگی و تکبر بیاموزد، هم نادان از دنیا می‌رود و هم دچار شقاوت و عذاب الهی می‌شود.¹

3. اصل پرهیز از مناظره و جدل به قصد برتری جویی

در روایات، فراگیری دانش برای مناظره و جدل با دیگران نهی شده است. چنین مناظره‌ای در حقیقت؛ علمی، روشنگرانه و سودمند نیست و سرانجام نیز به خواری فرد منتهی می‌شود.²

جدال یا گفتگوی بی‌حاصل، یا با هدف کوتاه نیامدن و غلبه و به کرسی نشاندن سخن خویش، اغوا و فریفتن فرد مقابل یا اثبات برتری علمی بر دیگری یا سایر انگیزه‌های شیطانی انجام می‌گیرد. گفتگو با چنین اهدافی علاوه بر اتلاف وقت، سبب تقویت خوی تعصب، خودخواهی، خودمحوری و خودنمایی انسان می‌شود و علاوه بر همه اینها ممکن است سبب گمراه شدن دیگری نیز بشود. ریشه این رذیله اخلاقی، تکبر و خودبزرگ‌بینی است. پس اگر از بحث، بوی تعصب بی‌جا، لجاجت، برتری‌طلبی و نظایر آن استشمام شود، سخن را از تأثیر مطلوب می‌اندازد و نکوهیده و ناپسند است و مؤمن باید از آن پرهیزد. (مصلح بزدی، 1389، ج:3، 366-368)

4. اصل صداقت (پرهیز از دروغ و فریبکاری)

در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است که شریفان را از علم پیرسید؛ اگر علمی نزد ایشان بود، بنویسید که آنها دروغ نمی‌گویند.³

نیاز به سخن گفتن، مظهر گرایی است که انسان به اظهار ما فی الضمیر و ابراز معلومات خویش دارد تا آنچه برای دیگران مجهول است، بر آنها آشکار شود؛ خواه این مجهول یک امر درونی در فکر و ذهن انسان باشد و گوینده بخواهد اندیشه یا احساس خود را برای دیگران آشکار کند یا یک امر بیرونی و عینی باشد که دیگران از آن بی‌اطلاعند. لذا سخن باید واقع‌نما و کاشف از حقیقت و مطابق با واقع باشد. حال اگر سخن به جای کشف حقایق وسیله‌ای برای کتمان حقایق شد یا با آن حقیقتی را وارونه نشان دادند، در این صورت سخن از مسیر واقعی و فلسفه وجودی خود منحرف شده، نقض غرض می‌شود. از این جهت، ارزش مثبت راستگویی از بدیهیات عقلی، اصالتاً مطلوب و هماهنگ با نیاز فطری و مصالح زندگی اجتماعی انسان است و دروغ بر خلاف مصالح انسانها در زندگی اجتماعی است. (مصلح بزدی، 1389، ج:3، 329)

1. امام باقر(ع): «من طلب العلم لیباهی به العلماء... او یصرف به الوجه الناس الیه فلیتواء مقعده من النار» (کلینی، بی تا، ج:1، 59)؛ پیامبر(ص): «من تعلم العلم للتکبر مات جاهلاً» (مشکینی، 1389:262)

2. ابی عبدالله(ع): «طلبه العلم ثلاثه فاعرفهم باعینهم و صفاتهم: صنف یطلبه للجدل و المرء... فصاحب الجهل و المرء مود ممار متعرض للمقال فی اندیه الرجال بتذاکر العلم و صفه الحلم قد تسریل بالخشوع و تخلی من الورع فذق الله من هذا خیشومه و قطع منه جزومه» (کلینی، بی تا، ج:1، 61)

3. سلوا أهل الشرف عن العلم فإن كان عندهم علم فاکتبه فإنهم لا یكذبون» (نهج‌الفصاحه: کلمه 1744)

555 ◊ چارچوب اخلاقی رقابت در محیط‌های علمی - دانشگاهی

اعمال فریبکارانه همچون: دروغ‌گویی، ارای، اطلاعات نادرست یا ناقص، پنهان‌کاری و کتمان حقایق و به اشتباه انداختن طرف مقابل، همگی از مصادیق فریبکاری‌اند و موجب سلب اعتماد، تیرگی روابط، ترویج فریبکاری به جای ارزش صداقت و تبدیل رقابت به دشمنی می‌شوند (امریور و شالیف، 1388). دروغ انسان را در دیده‌ها، خوار و در نظرها بی‌وقع و بی‌اعتبار می‌سازد و باعث دل‌شکستگی و ملال دیگران و خجالت و انفعال فرد می‌شود و طبق روایات، روزی را کم می‌کند (زاقی، 1390: 549) و علم نیز نوعی روزی معنوی برای انسان است.

در مقابل، صداقت عامل ترقی و تکامل انسان است و معنای کامل آن، از آنجا که انسان صادق از قلمرو وسوسه، اضلال، انساء و مانند آن برتر است، شیطان و باطل را در مقام او راه نیست و مجاللی برای شک علمی یا تردید عملی نخواهد بود و هر چه در آن محدوده یافت می‌شود، فقط جزم علمی یا عزم عملی است (جوادی آملی، 1394: 528-527). در قرآن کریم یکی از شرایط «حسن رفاقت»، صداقت است (نساء: 69). انسانهای صادق، رهروانی آگاه و در پیمودن راه موفق‌اند. به علاوه، در عقبه دشوار هرگز همسفران خود را تنها نگذاشته و از آنان غافل نمی‌شوند و همه اینها در نتیجه احساس گرایش به فضیلت و بی‌میلی به گناه در قلب آنان است (همان: 538). لذا امام سجاد (ع) نیز در باب اخلاق معاشران (و از جمله همکاران علمی) می‌فرماید: حق معاشر تو این است که با او از در نیرنگ و دروغ وارد نشوی و اغفالش نکنی. (امام سجاد، 1377: 47)

5. اصل مشورت صادقانه و همدلانه

در روایات، تأکید زیادی است بر اینکه وقتی فردی با دوست یا همکار خود مشورت می‌کند، او باید همان کاری که اگر خود او بود، آن را انجام می‌داد،¹ با صراحت² به او اعلام کند و اگر او را به کاری سفارش کند و بداند که مصلحت در غیر آن است، به او خیانت کرده است؛³ حتی اگر نکته‌ای به ذهن خود او نمی‌رسد، ولی فرد دانا و مورد اعتمادی را می‌شناسد که رای او را برای خود می‌پسندد، باید به او معرفی کند (امام سجاد، 1377: 49). به هر حال، هر مطلبی که به ذهن فرد می‌رسد و به نفع اوست (حتی اگر خود فرد از او درخواست مشورت نداشته باشد)، باید با او در میان بگذارد و نباید پیشنهاد خود را در دل مخفی نگاه دارد.⁴ بدین سان، هر گونه همفکری همدلانه و مفید و مؤثر را نباید از دوست و همکار خود دریغ داشت.

1. «المستشار مؤتمن فإن شاء أشار و إن شاء سكت فإن أشار فليشر بما لو نزل به فعله». (نهج‌الفصاحه: کلمه 3094)

2. «إذا استشار أحدكم أخاه فليشر عليه». (نهج‌الفصاحه: کلمه 175)

3. «من أشار على أخيه بأمر يعلم أن الرشد في غيره فقد خانه». (نهج‌الفصاحه: 2938)

4. «إذا وجد أحدكم لأخيه نصحا في نفسه فليذكره له». (نهج‌الفصاحه: کلمه 245)

6. اصل نیک‌اندیشی و کمک به رشد یکدیگر

حسد یکی از رذایل اخلاقی است که سلامت اخلاقی رقبا را به طور جدی تهدید می‌کند. مؤمن نه تنها نباید نسبت به پیشرفت دوست یا همکار خود احساس ناراحتی داشته باشد، بلکه اگر امتیازی در او مشاهده کرد، باید برای برکت و موفقیت بیشتر او دعا کند.¹ خداوند می‌فرماید: بر آنچه از فضل خود به مردم داده‌ام، حسد مبر و چشمت را دنبال آن دراز مکن و دلت را در پی آن مبر؛ زیرا حسد برنده از نعمت من ناراحت است و از تقسیم که میان بندگانم کرده‌ام، جلوگیری است و کسی که چنین باشد، من از او نیستم و او از من نیست.²

حسد تمنای زوال نعمت از دیگری است؛ نعمتی که به صلاح او باشد. معیار در حسد این است که آنچه برای خود نمی‌خواهیم، برای او بخواهیم یا آنچه برای خود نمی‌خواهیم، برای او بخواهیم. بخل نسبت به بندگان خدا، دشمنی با آنها، شهرت‌طلبی، ترس از باز ماندن از مقصود و مطلوب زمانی که هر دو نفر یک چیز را طالب باشند، تکبر و عجب باعث حسدورزی می‌شوند. حسود هرگاه خوبی احوال یکی از بندگان خدا را بشنود و انتظام امر او را بفهمد، بر او گران می‌آید و طبع او افسرده می‌شود؛ اگرچه هیچ نقصی به او نرسد. حسود در دنیا لحظه‌ای از حزن و غم و غصه خالی نیست و هر نعمتی که در کسی می‌بیند، متألم می‌شود. البته اگر فرد تمنای زوال نعمت از او نکند، بلکه مثل آن را برای خود بخواهد، آن را غبطه می‌خوانند که مذمتی بر آن نیست.³ (برای، 1390: 447-439)

در ادبیات دینی، مؤمنان توصیه به نیک‌اندیشی و همدلی شده‌اند؛ آنها از مشکلات و رنجهای همدیگر متألم می‌شوند و با تمام توان در رفع آن می‌کوشند.⁴ اگر کاستی و اشکالی در همدیگر دیدند، دلسوزانه آن را می‌زدایند.⁵ اگر مشکلی برای رقیب پیش آمد، نه تنها از فرصت پیش آمده برای برتری جویی هر چه بیشتر استفاده نمی‌کنند، بلکه به رسم مروّت، دست او را می‌گیرند⁶ و کمک می‌کنند تا مشکل و تأخیر پیش آمده را جبران کند و با هم به حرکت خود ادامه دهند.

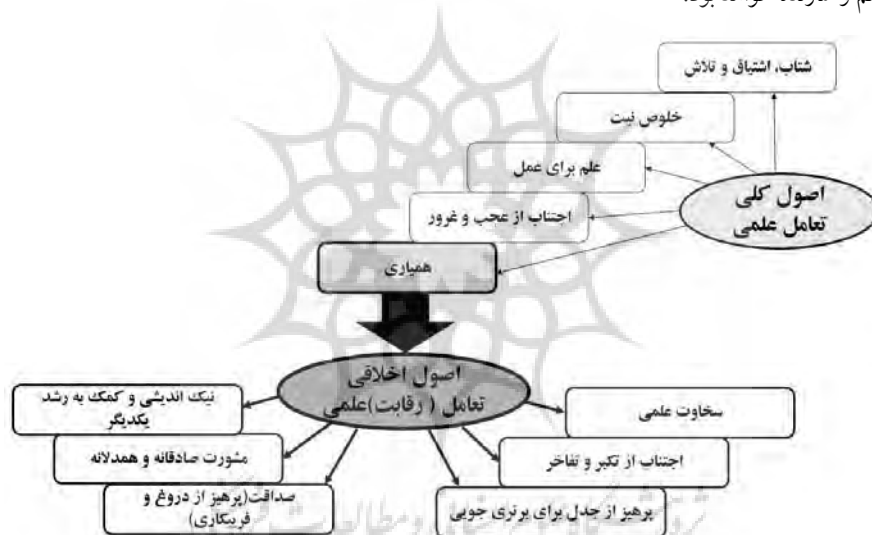
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

1. «إذا رأى أحدكم من نفسه أو ماله أو من أخيه ما يعجبه فليدع له بالبركة» (نهج الفصاحه: کلمه 206)
2. پیامبر(ص): «قال الله عزوجل لموسى بن عمران يابن عمران لا تحسدن الناس على ما اتيهم من فضلى ولا تمدن عينيك الى ذلك ولا تتبعه نفسك فان الحاسد ساخط لنعمة الذى قسمت بين عبادى و من يك كذلك فلست منه و ليس منى» (كليني، بی تا، ج 3: 418)
3. ابی عبدالله(ع): «ان المؤمن يغبط و لا يحسد» (كليني، بی تا، ج 3: 418)
4. «ان حقا على المؤمنین أن يتوجع بعضهم لبعض كما يألم الجسد الرأس» (نهج الفصاحه: کلمه 849)؛ «ترى المؤمنین فی تراحمهم و تواضعهم و تعاطفهم كمثل الجسد اذا اشتكى عضوا تداعى له سائر جسده بالسهر و الحمی» (نهج الفصاحه: کلمه 1139)
5. «ان أحدكم مرآه أخيه فإذا رأى به أذى فليمطه عنه» (نهج الفصاحه: کلمه 580)
6. «من حسن المماشاه أن يقف الأخر لآخيه إذا انقطع شمع نعله» (نهج الفصاحه: کلمه 3070)

ی) بحث و نتیجه‌گیری

بنگاههای رقابت‌پذیر، محیط رقابتی سالم را ضامن توسعه و پیشرفت خود می‌دانند و با تکیه بر توان رقابتی خود و بر اساس رابطهٔ برد-برد به استقبال رقبا می‌روند (فرامرزی قراملکی، 1388: 298). در محیط‌های سالم دانشگاهی نیز باید رقیب را همکار و شریک خود در کار عظیم تولید علم و آموزش و تربیت نسل جوان و پویای جامعه دانست.

محیط رقابتی سالم میان دانشمندان و صاحبان علم (مانند اعضای هیئت علمی دانشگاهها) یا در سطوحی پایین‌تر، میان دانشجویان، به میزان زیادی صبغهٔ اخلاقی دارد. با توجه به شش اصل اخلاقی ناظر بر تعامل و رقابت علمی، می‌توان گفت اگر رقابت علمی در چارچوب هنجارهای اخلاقی ذیل انجام گیرد، رقابتی سالم و سازنده خواهد بود:



تأمل در آموزه‌های حاصل از روایات نشان می‌دهد که تبادل نظر و همفکری در مسیر علم‌آموزی و پژوهش بر غنای فکری افراد و نیز رشد علم کمک می‌کند و در تعاملات علمی نیز همکاری، همدلی و رفاقت، تقدّم و اولویت تام بر تکروی و رقابت دارد. در شرایط رقابت اجتناب‌ناپذیر نیز رقابت باید در چارچوب هنجارهای اخلاقی و تا حد امکان به صورت سالم و اخلاقی صورت گیرد تا آسیب‌های اخلاقی و شخصیتی به حداقل برسد.

بر اساس یافته‌ها می‌توان الگوی «رقابت کریمانه» را برای رقابت علمی در دانشگاهها مطرح کرد که فواید انکارناپذیری در ابعاد فردی (سلامت روحی، جسمی، اخلاقی و معنوی افراد) و جنبهٔ اجتماعی (فضای

اخلاقی و بزرگ‌منشانه و ارائه الگوهای عملی رقابت سالم برای نسلهای جدید) داراست و به علاوه، زمینه مساعدتری برای توسعه و پیشرفت علمی جامعه فراهم می‌آورد؛ مهم‌تر آنکه چنین رقابتی، خود بسترساز رشد و تحول شخصیتی و اخلاقی افراد می‌شود؛ به ویژه که پیشرفت یک جامعه به خصوص در دیدگاه اسلامی، صرفاً در گروی افزایش آمار و ارقام و حتی کیفیت تولیدات علمی نیست و چه بسا پیشرفت علمی بدون رشد و تزکیه اخلاقی، آسیبهای خطرناک‌تری برای فرد متخصص، برای مردم و کل جامعه در پی دارد که باید با درایت، آنها را به حداقل رساند



منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه. ترجمه اسدالله مبشری (1371). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- نهج الفصاحه. ابوالقاسم پاینده (1360). تهران: جاویدان.
- اسلامی، سید حسن (1389). «اخلاق مناظره». اخلاق کاربردی در ایران و اسلام. به اهتمام احد فرامرز قراملکی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. ص 288-249.
- اسمعیلی، زهره و فرزاد پرهوده (1394). «اصول و مبانی اخلاق پژوهش در نظام آموزش عالی کشور». همایش ملی فلسفه آموزش عالی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (1359/09/27). سخنرانی در جمع مدرسان و طلاب حوزه علمیه قم و دانشجویان عضو دفتر تحکیم وحدت حوزه و دانشگاه. تهران: جماران.
- امام خمینی، سید روح‌الله (1361/06/28). سخنرانی در جمع نماینده امام در نهضت سوادآموزی، وزیر آموزش و پرورش، وزیر فرهنگ و آموزش عالی و اعضای دفتر هماهنگی حوزه و دانشگاه و مربیان امور تربیتی. تهران: جماران.
- امام سجاد (1377). رساله حقوق. ترجمه سید محمد شاهرودی. تهران: دانشوران.
- امیرپور، حیدر و عذرا شالباف (1388). «داد و ستد فریبکارانه». در: اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام. به اهتمام احد فرامرز قراملکی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. ص 367-343.
- باقری نوع‌پرست، خسرو (1384). تگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: مدرسه.
- تیمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (1366). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (1394). دانش و روش بندگی. قم: اسراء.
- داوودی، محمد (1393). اخلاق اسلامی، مبانی و مفاهیم. قم: نشر معارف.
- دلاور، علی (1384). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: رشد.
- دیلمی، احمد و مسعود آذربایجانی (1387). اخلاق اسلامی. قم: نشر معارف.
- سرمد، زهره؛ عباس بازرگان و الهه حجازی (1376). روشهای تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگاه.
- شریفی، حسن پاسا و نسترن شریفی (1383). روشهای تحقیق در علوم رفتاری. تهران: سخن.
- صادقی مقدم، محمدحسن و بهنام غفاری فارسانی (1390). «روح حقوق رقابت (مطالعه‌ای تطبیقی در اهداف حقوق رقابت)». مجله حقوقی دادگستری، سال هفتاد و پنجم، ش 73 (بهار): 146-113.
- صفوی، سید علیرضا و سعید بهشتی (1394). «الگوی مطلوب رشد فرهیختگی و تعالی اخلاقی دانشجویان بر مبنای سخنان امام علی(ع)». همایش ملی فلسفه آموزش عالی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- فرامرز قراملکی، احد (1388). اخلاق سازمانی. تهران: سرآمد.
- فرهادی، مرتضی (1388). انسان‌شناسی یاریگری. تهران: ثالث.

560 ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی 69

- کرامتی، محمدرضا (1380). «رقابت یا رفاقت در کلاس درس». مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال سی و یکم، ش 2: 139-156.
- کلینی، محمد بن یعقوب (بی تا). اصول کافی. ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (ع).
- کمپانی، فضل‌الله (1362). منتخب الغرر. تهران: مفید.
- مجلسی، محمدباقر (1403 ق). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدی ری‌شهری، محمد (1378). میزان الحکمه. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: دارالحدیث.
- مشکینی اردبیلی، علی (1389). مواظب العددیه. قم: الهادی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (1389). اخلاق در قرآن. قم: مؤسسه امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (1388). به سوی خودسازی. قم: مؤسسه امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (1387). فطرت. تهران: صدرا.
- مفید، محمد بن محمد (1414 ق الف). الاختصاص. تحقیق علی‌اکبر غفاری و سید محمود زرنیدی. بیروت: دارالمفید، چ دوم.
- مفید، محمد بن محمد (1414 ق اب). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. بیروت: دارالمفید، چ دوم.
- میرمعزی، سید حسین (1387). «رقابت و تعاون در تگوش اسلامی». اقتصاد اسلامی، سال هشتم، ش 29 (بهار): 7-33.
- نراقی، محمد مهدی (بی تا). جامع السعادات. قم: اسماعیلیان.
- نراقی، ملا احمد (1390). معراج السعاده. تصحیح موسوی کلانتری دامغانی. تهران: پیام آزادی.
- نوروزی شمس، مشیت‌الله (1394). «نگاهی به حقوق رقابت در قوانین چند کشور». مجله علوم انسانی دانشگاه امام حسین، ش 61 (بهار و اسفند): 93-122.
- وجدانی، فاطمه (1394). «بررسی تحلیلی اسناد بالادستی نظام آموزش عالی به منظور استنتاج سیاست‌های توسعه اخلاقی در دانشگاهها». همایش ملی فلسفه آموزش عالی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- وجدانی، فاطمه (1392). «تحلیل مفهومی سعادت بر اساس نسبت میان علم و ایمان و عمل از دیدگاه علامه طباطبایی (ره)». بصیرت و تربیت اسلامی، سال دهم، ش 24: 1-22.
- ونلانگه، پُل ای. ام. و کارستن کی. دبلیو دودرو (1381). «تعامل اجتماعی: همکاری و رقابت». استعداد‌های درخشان، سال یازهم، ش 4 (زمستان): 380-418.
- هاشمی، سید جلال؛ فرهاد درخشنده و مریم حیدری (1394). «کاوشی درباره سورت علمی در آموزش‌های آنلاین: مطالعه‌ای پدیدارشناختی در اخلاق پژوهش». همایش ملی فلسفه آموزش عالی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- **Holy Quran.**
- **Nahj al-Balagha.** Seyed Razi, M. (1992). Translated by: A. Mobashery. Tehran: Islamic Culture Publications Press.

- Nahj al-Fasaheh. A. Payandeh (1981). Tehran: Javidan Press.
- Amirpoor, H. & O. Shalbfaf (2009). “**Deceptive Transaction**”. In: *Professional Ethics in Iranian and Islamic Civilization*. A.F. Qaramaleki. Tehran: Institute for Social and Cultural Studies. P. 343-367.
- Bagheri Noaparast, Kh. (2005). **Revisiting Islamic Education**. Tehran: Madrese Press.
- Davoodi, M. (2014). **Islamic Ethics**, Foundations and Concepts. Qom: Maaref Press.
- Delavar, A. (2005). **Theoretical and Practical Foundations of Research in the Humanities and Social Sciences**. Tehran: Roshd Press.
- Deylami, A. & M. Azarbaijani (2008). **Islamic Ethics**. Qom: Maaref Press.
- Eslami, S.H. (2010). “**Debate Ethics**”. *Applied Ethics in Iran and Islam*. A.F. Qaramaleki. Tehran: Institute for Social and Cultural Studies. P. 288-249.
- Esmaeeli, Z. & F. Parhoodeh (2015). “**Principles and Foundations of Research Ethics in the Higher Education System**”. *Conference on the Philosophy of Higher Education*. Tehran: Shahid Beheshti University Press.
- Faramarz Gharamaleki, A. (2009). **Organizational Ethics**. Tehran: Saramad Press.
- Farhadi, M. (2009). **Anthropology of Taking Partner**. Tehran: Sales Press.
- Hashemi, S.J.; F. Derakhshandeh & M. Heidari (2015). “**Exploration of Plagiarism in Online Education: the Phenomenological Study on Research Ethics**”. *Conference on the Philosophy of Higher Education*. Tehran: Shahid Beheshti University Press.
- Imam Khomeini, S.R. (1980). **Public Speech in Teachers and Students of the Hawzeh of Qom and Students of the Office for Consolidating Unity of Hawzeh and University**. Tehran: Jamaran.
- Imam Khomeini, S.R. (1982). **Public Speech to the Representative of Literacy Campaign, Minister of Education, Minister of Culture and Higher Education and Members of the Coordinating Bureau of Hawzeh, university and educators**. Tehran: Jamaran.
- Imam Sajjad (1998). **Rights Resale**. Translated by S.M. Shahroodi. Tehran: Daneshvaran Press.
- Javadi Amoli, A. (2015). **Knowledge and the Way of Servanthood**. Qom: Esra Press.
- Keramati, M.R. (2001). “**Competition or Camaraderie in the Classroom**”. *Journal of Psychology and Education*, 31 (2): 139-156.
- Koleini, M. (?). **Osool al-Kafi**. Translated by: S.J. Mostafavi. Tehran: Farhang ahl al-Bayt Press.
- Kompani, F. (1983). **Montakhab al-Ghurair**. Tehran: Mofid Press.
- Majlesi, M.B. (1982). **Behar al-Anvar**. Beirut: Dar Alehya al-Torath al-Arabi Press.

- Mesbah Yazdi, M.T. (2010). **Ethics in Quran**. Vol 3. Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute Press.
- Mesbah Yazdi, M.T. (2009). **To Improve Oneself**. Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute Press.
- Meshkini Ardebili, A. (2010). **Mavaez al-Adadiah**. Qom: al-Hadi Press.
- Mir Moezi, S.H. (2008). **“Competition and Cooperation in the Islamic Attitude”**. *Quarterly Journal of Islamic Economics*. 8 (29): 7-33.
- Mofid, M. (1993). **AL-Ekhtesas**. Researcher: A.A. Ghaffari & S.M. Zarandi. Beirut: Dar al-Mofid Press.
- Mofid, M. (1993). **Al-Ershad fi Maarefat Hojaj Allah Alaa al-Ebad**. Beirut: Dar al-Mofid Press.
- Mohammadi Reyshahry, M. (1999). **Mizan al-Hikmah**. Translated by: H.R. Sheykhi. Qom: Dar al-Hadith Press.
- Motahari, M. (2008). **The Nature**. Tehran: Sadra Press.
- Naraqi, A. (2011). **Meraj Al-Saadah**. Corrected by Moussavi Kalantari Damghani. Tehran: Payam Azadi Press.
- Naraqi, M.M. (?). **Jami al-Saadat**. Qom: Esmailian Press.
- Norouzi Shams, M. (2005). **“View to a few Rules of Competition Law”**. *Journal of Human Science Imam Hossein University*, 61: 93-122.
- Sadeghi Moghadam, M.H. & B. Ghaffari Farsani (2011). **“Spirit of Competition Law (A Comparative Study on the Objectives of Competition Law)”**. *The Judiciary Law Journal*, No 75, Vol 73: 113-146.
- Safavi, S.A. & S. Beheshti (2015). **“The Desirable Model of Moral Education and Excellence of Students Based on the Imam Ali Remarks”**. *Conference on the Philosophy of Higher Education*. Tehran: Shahid Beheshti University Press.
- Sarmad, Z.; A. Bazargan & E. Hejazi (1997). **Research Methods in the Behavioral Sciences**. Tehran: Agah Press.
- Sharifi, H.P. & N. Sharifi (2004). **Research Methods in the Behavioral Sciences**. Tehran: Sokhan Press.
- Tamimi Amadi, A. (1987). **Ghurur al-Hikam VA Durar al-Kalim**. Qom: Islamic Advertising Press.
- Van Lange, P.A.M. & C.K.W. De Dreu (2002). **“Social Interaction: Cooperation and Competition”**. *Gifted and Talented Journal*, 11 (4), winter: 380-418.
- Vojdani, F. (2015). **“Analytical Study of Upstream Documents of Higher Education in Order to Derive the Moral Development Policies in Universities”**. *Conference on the Philosophy of Higher Education*. Tehran: Shahid Beheshti University Press.
- Vojdani, F. (2013). **“Conceptual Analysis of well-being on Proportion between Knowledge and faith and Act in the View of Allameh Tabatabaei”**. *Insight & Islamic Education*, Vol. 10, No 24: 1-22.

